

همبستگی رده‌شناختی نوع حرف‌اضافه با ترتیب فعل و مفعول در ترکی

خراسانی

پونه مصطفوی^۱

پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

فریار اخلاقی^۲

پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

چکیده

بین نوع حرف‌اضافه و ترتیب قرارگرفتن فعل و مفعول همبستگی رده‌شناختی وجود دارد. در مقاله حاضر این همبستگی در ترکی خراسانی مورد بررسی قرار گرفته است. پیکره پژوهش از داده‌های طرح اطلس زبانی ایران که در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در دست انجام است، استخراج شده است. این پیکره شامل ۳۶۰ جمله و عبارت ترکی خراسانی است که در آنها معادل گویشی ۷ حرف‌اضافه «با، در، به، از، تا، پیش، را» به‌کار رفته‌اند. به‌منظور محدودکردن داده‌ها و ایجاد امکان مقایسه، در این پژوهش در مجموع ۲۴ گونه جغرافیایی ترکی خراسانی رایج در آبادی‌های استان خراسان بزرگ (پیش از تقسیم به سه استان) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از آن‌جا که گردآوری داده‌های مورد بررسی در دهه پنجاه شمسی و پیش از تقسیمات کشوری جدید که خراسان بزرگ را به سه استان شمالی، جنوبی و رضوی تقسیم کرد انجام شده است، در پژوهش حاضر استان خراسان دهه پنجاه (بدون تفکیک) مد نظر بوده است. در گونه‌های زبانی مورد بررسی، حروف اضافه، همگی پس‌اضافه هستند که یا به‌صورت واژه مستقل یا پسوند تظاهر می‌یابند. ترکی خراسانی از نظر نوع حرف‌اضافه و ترتیب بی‌نشان ارکان جمله، مشابه ترکی آذربایجانی فاعل-مفعول-فعل (SOV) و از رده زبان‌های فعل‌پایانی است. یافته‌های پژوهش نشان داد در تمامی گونه‌های جغرافیایی ترکی خراسانی مورد بررسی، حروف اضافه همگی پس‌اضافه هستند و به دو صورت واژه مستقل یا پسوند تظاهر می‌یابند و

1. mostafavi1972@gmail.com

2. faryar.a@gmail.com

مجاورت این گونه‌های زبانی با فارسی و سایر زبان‌های منطقه، جز در مواردی محدود، تأثیری در تغییر این ساخت نداشته است. افزون بر این، مطابق نتایج حاصل از این پژوهش، ترکی خراسانی از همگانی‌های رده‌شناختی زبان درخصوص همبستگی نوع حرف‌افزافه با ترتیب فعل و مفعول تبعیت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: همبستگی رده‌شناختی، نوع حرف‌افزافه، ترتیب فعل و مفعول، ترکی خراسانی.

۱-مقدمه

واژه‌ای که با یک گروه اسمی همراه می‌شود و روابط دستوری یا معنایی گروه اسمی را با فعل جمله یا بند نشان می‌دهد، حرف‌افزافه^۱ نامیده می‌شود. مثلاً در زبان انگلیسی حرف‌افزافه with در جمله He opened the door with a key نمونه این نوع کلمات است (درایر^۲، ۲۰۰۷: ۸۲-۸۱).

در رده‌شناسی زبان یکی از موضوع‌های مربوط به ترتیب واژه‌ها، ترتیب قرارگرفتن حرف‌افزافه و گروه اسمی است. بر این مینا، به‌اعتقاد درایر (۲۰۰۵a: ۳۴۶)، دو نوع حرف‌افزافه در زبان‌ها وجود دارد، پیش‌افزافه^۳ و پس‌افزافه^۴. پیش‌افزافه قبل از گروه اسمی و پس‌افزافه بعد از آن قرار می‌گیرد. در برخی زبان‌ها، مانند زبان مورد بررسی این پژوهش، پس‌افزافه می‌تواند به‌صورت واژه مستقل یا پسوند تظاهر یابد (لی^۵، ۱۹۹۶: ۸۱) و به گروه اسمی پیش از خود حالت دستوری اعطا نماید. این نوع حالت‌دهی، نشان‌گذاری تصریفی^۶ نامیده شده است (بلیک^۷، ۲۰۰۴: ۱).

ازسوی دیگر، به‌اعتقاد گرینبرگ^۸ (۱۹۶۶)، مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها با هم همبستگی‌هایی^۹ دارند که او به برخی از آنها اشاره کرده است. یکی از این نوع همبستگی‌ها، بین ترتیب قرارگرفتن فعل و مفعول و نوع حرف‌افزافه وجود دارد. درایر در مقاله ۱۹۹۲ خود با عنوان

-
1. adposition
 2. M. S Dryer
 3. preposition
 4. postposition
 5. S. N. Lee
 6. inflectional marking
 7. B. J. Blake
 8. J. H. Greenberg
 9. correlation

«همبستگی‌های ترتیب واژه‌گرینبرگی» به بیان همبستگی‌های موجود بین فعل و مفعول و برخی از مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها می‌پردازد که در بخش مبانی نظری مقاله حاضر به تفصیل شرح داده شده است.

در پژوهش حاضر، مؤلفه نوع حرف‌افزافه در گونه‌های جغرافیایی ترکی خراسانی و چگونگی همبستگی آن با ترتیب قرارگرفتن فعل و مفعول بررسی می‌شود.

زبان ترکی متعلق به گروه زبان‌های اوغوز^۱ یا گروه زبان‌های غربی جنوبی از زبان‌های ترکی تبار^۲ است (منگس^۳، ۱۹۹۵: ۶۰؛ جانسن^۴، ۱۹۹۸: ۸۲). زبان‌های ترکی تبار هم شاخه غربی خانواده زبانی آلتایی را تشکیل می‌دهند (منگس، ۱۹۹۵: ۶۱) که علاوه بر این زبان، مغولی، تونقوز، کرهای و ژاپنی را شامل می‌شود. زبان ترکی و تنوعات زبانی آن در مناطقی مانند ترکیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و چند کشور دیگر رواج دارد (قلی‌زاده مزرچی، ۱۳۹۰: ۴۷ و ۵۴؛ صفایی اصل، ۱۳۹۴: ۱۶۶). این زبان در ایران، غیر از استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل که به‌طور عمده ترک‌زبان هستند، در استان‌های دیگر نیز از جمله استان خراسان^۵ (مطابق تقسیمات کشوری جدید دو استان خراسان شمالی و خراسان رضوی) به‌صورت پراکنده به‌کار گرفته می‌شود. ترکی این استان، ترکی خراسانی نامیده شده است. این گونه ترکی بیشتر در شمال استان خراسان، ناحیه مرزی کشور ترکمنستان و در بخش‌هایی از مناطق مرکزی این استان سخنگویانی دارد. از جمله شهرهایی که این گونه زبانی در آنها تکلم می‌شود، می‌توان به بجنورد، شیروان، فاروج، قوچان، درگز، کلات، اسفراین، سبزوار، نیشابور و مشهد اشاره کرد (قلی‌زاده مزرچی، ۱۳۹۰: ۵۷).

پیشتر اشاره کردیم که بسته به جایگاه حرف‌افزافه نسبت به گروه اسمی، دو نوع حرف‌افزافه وجود دارد؛ پیش‌افزافه و پس‌افزافه، که زبان‌ها از بین آنها انتخاب می‌کنند. برخی از زبان‌ها نیز هر دو نوع حرف‌افزافه را به‌طور همزمان به‌کار می‌گیرند. در این گونه زبان‌ها، معمولاً یکی از این دو نوع، به‌عنوان حرف‌افزافه اصلی شناخته می‌شود. زبان‌هایی هم وجود دارند که هر دو نوع

1. Oghuz
2. Turkic
3. K. H. Menges
4. L. Johanson

۵ در پژوهش حاضر مراد از «استان خراسان»، خراسان بزرگ و پیش از تقسیمات کشوری جدید است که آن را به سه استان شمالی، جنوبی و رضوی تقسیم کرده است مگر آن‌که به گونه‌ای دیگر تصریح شود.

حرف‌افزافه را دارند اما هیچ‌یک از آنها اصلی محسوب نمی‌شود؛ البته این نوع زبان‌ها نادرند. در بعضی از زبان‌ها هم حرف‌افزافه وجود ندارد و تنها وندهای حالت به‌عنوان حالت‌نما به‌کار گرفته می‌شوند (درایر، ۲۰۰۵a: ۳۴۷-۳۴۶؛ درایر، ۲۰۰۷: ۸۶).

درایر (۱۹۹۲) همبستگی‌های مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها را با ترتیب قرارگرفتن فعل و مفعول به‌تفصیل بررسی کرده است. وی در پاسخ به برخی منتقدان مبنی بر اینکه شواهدی برای وجود همبستگی بین مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها نیست یا اگر در برخی از مؤلفه‌ها این همبستگی وجود داشته باشد تنها خاص بعضی خانواده‌های زبانی است، نشان می‌دهد که همبستگی‌های ترتیب واژه‌ها همگانی هستند و تغییراتی که در ترتیب واژه‌ها رخ می‌دهد، به‌دلیل برخورد زبانی است (درایر، ۲۰۱۱: ۳۷۶).

ازجمله پژوهشگران ایرانی که درباره همبستگی‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها پژوهش‌هایی انجام داده‌اند، واحدی لنگرودی (۱۳۸۱) است. او در مقاله خود ترتیب اصلی کلمات و چهارده مورد از جفت‌های همبستگی^۱ را در یکی از گونه‌های شرقی زبان گیلکی (لنگرودی) بررسی کرده است. نتایج حاصل از پژوهش وی (واحدی لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۷۴) حاکی از آن است که ترتیب زیربنایی و اساسی کلمات در این گویش SOV است و از مجموع ۱۴ جفت همبستگی بررسی‌شده در این گویش، ۹ مورد با ترتیب OV و ۵ مورد دیگر با VO همبستگی نشان می‌دهد. دبیرمقدم (۲۰۰۱) به‌بررسی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی و سه زبان ایرانی گیلکی، مازندرانی و کردی (کردستان) می‌پردازد. به‌اعتقاد او، با این که زبان فارسی یک زبان فعل‌پایانی است، به‌دلیل ملاحظات تاریخی در گذر از فارسی باستان تا فارسی نو، در قبال همبستگی‌های مربوط به مؤلفه‌های رده‌شناختی درایر (۱۹۹۲) رفتاری دوگانه دارد. وی اضافه می‌کند که با درنظرگرفتن مؤلفه‌های مورد بحث، دو زبان گیلکی و مازندرانی زبان‌های مفعول-فعل (OV) و زبان کردی فعل-مفعول (VO) محسوب می‌شوند.

یکی از مقاله‌هایی که در مورد زبان ترکی نوشته شده و به موضوع رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در این زبان پرداخته است، مقاله صفایی اصل (۱۳۹۴) است. وی نتایج حاصل از پژوهش خود را در دو جدول جداگانه با زبان‌های اروپایی-آسیایی و زبان‌های جهان مقایسه کرده است. مطابق جدول‌های مذکور، زبان ترکی در مقایسه با زبان‌های منطقه اروپایی-آسیایی و زبان‌های

1. correlation pair

جهان غالباً دارای مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی است. به‌باور صفایی اصل، این زبان برخی از مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی خود را به‌دلیل همگرایی با زبان فارسی به‌عنوان لایهٔ زیرین به‌دست آورده است (صفایی اصل، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها و همبستگی‌های رده‌شناختی این مؤلفه‌ها با ترتیب قرارگرفتن فعل و مفعول را هدایت (۱۳۹۵) براساس پژوهش درایر در مقالهٔ خود در گویش تاتی گیفان که از روستاهای استان خراسان شمالی است، بررسی کرده است. طبق یافته‌های هدایت (۱۳۹۵: ۱۹۴)، گویش مذکور به‌صورت بنیادی فعل‌پایانی و به‌صورت غیربنیادی فعل‌میانی است و همبستگی‌های رده‌شناختی در این گونهٔ زبانی تاحدی نسبی است.

۹ جهانی از جهانی‌های گرینبرگ و ۱۱ مؤلفه از مؤلفه‌های همبستگی درایر در دو گونهٔ کردی کرمانشاهی و ایلامی در مقالهٔ میردهقان و مهدوی (۱۳۹۶) بررسی شده‌اند. نتایج حاصل از بررسی آنها نشان می‌دهد که تفاوت چندانی در ساختارهای زبانی این دو گونهٔ کردی وجود ندارد (میردهقان و مهدوی، ۱۳۹۶: ۳۱۳-۳۱۲).

مقالهٔ حاضر افزون بر این بخش که در آن علاوه بر شرح موضوع، به پیشینهٔ مطالعات مربوط به موضوع مقاله اشاره شد، شامل بخش‌های مبانی نظری، تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری است. در بخش مبانی نظری به آثار سال‌های ۱۹۹۲، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ درایر در موضوع ترتیب واژه‌ها و همبستگی‌های رده‌شناختی بین مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها اشاره شده است. در بخش تحلیل، داده‌های زبانی گردآوری شده، برپایهٔ چارچوب نظری مقاله تحلیل شده‌اند و درنهایت، در بخش نتیجه‌گیری، نوع حرف‌افزافه و همبستگی آن با ترتیب قرارگرفتن فعل و مفعول در ترکی خراسانی به بحث گذاشته شده است.

۲- مبانی نظری

همان‌گونه که اشاره شد، درایر (۱۹۹۲: ۸۷) در مقالهٔ خود، وجوه همبستگی بین ترتیب فعل و مفعول از یک‌سو و ترتیب جفت‌های خاصی از عناصر دستوری را ازسوی دیگر مورد بحث و بررسی قرار داده است. او اشاره می‌کند که پیشتر نیز افرادی همچون لمان^۱ (۱۹۷۳)، ونمان^۲

(۱۹۷۳، ۱۹۷۴a، ۱۹۷۴b، ۱۹۷۶)، ونمان و هارلو^۱ (۱۹۷۷)، کنو^۲ (۱۹۷۴)، گیون^۳ (۱۹۷۵)، کینان^۴ (۱۹۷۹)، فرازیر^۵ (۱۹۷۹، ۱۹۸۵)، ماکسول^۶ (۱۹۸۴) و هاکینز^۷ (۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۹۰) در مورد همبستگی‌های رده‌شناختی تبیین‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. پیکره مورد بررسی درایر، متشکل از ۶۲۵ زبان دنیا است. او (۱۹۹۲: ۸۲) معتقد است که توالی یک جفت مؤلفه X و Y، با ترتیب رخداد «فعل» نسبت به «مفعول» به لحاظ آماری همبستگی نشان می‌دهد و آن را «جفت همبستگی» می‌نامد. در این جفت همبستگی X هم‌الگو با فعل و Y هم‌الگو با مفعول در نظر گرفته می‌شود. درایر در این مقاله به همبستگی جفت «حرف‌اضافه (پیش‌اضافه و پس‌اضافه) و گروه اسمی» از یک‌سو و ترتیب فعل و مفعول ازسوی دیگر، اشاره می‌کند. به اعتقاد او، زبان‌هایی که دارای ترتیب «مفعول-فعل» یا OV هستند، تمایل به استفاده از پس‌اضافه و زبان‌هایی که دارای ترتیب «فعل-مفعول» یا VO هستند، تمایل به استفاده از پیش‌اضافه دارند (همان). وی در این مقاله، همبستگی بین نوع حرف‌اضافه و ترتیب قرارگرفتن فعل و مفعول را در قالب جدول ۱ در زبان‌ها نشان داده است که عیناً در این بخش ارائه می‌شود.

جدول ۱- همبستگی مؤلفه نوع حرف‌اضافه و ترتیب قرار گرفتن فعل و مفعول (درایر، ۱۹۹۲: ۸۳)

| | AFRIC A | EURASI A | SEASIA&O C | AUS- NEWGU I | NAME R | SAMER | TOTAL |
|--------------|------------|-------------|---------------|--------------------|-----------|-------|-------|
| OV&Post p | 15 | 26 | 5 | 17 | 25 | 19 | 107 |
| OV&Prep | 3 | 3 | 0 | 1 | 0 | 0 | 7 |
| VO&Post p | 4 | 1 | 0 | 0 | 3 | 4 | 12 |
| VO&Prep | 16 | 8 | 15 | 6 | 20 | 5 | 70 |

1. R. Harlow
2. S. Kuno
3. T. Givon
4. E. L. Keenan
5. L. Frazier
6. D. N. Maxwell
7. J. A. Hawkins

جدول (۱) نشان می‌دهد که ۱۰۷ گروه زبانی که در آنها ترتیب OV وجود دارد، پس‌افزافه‌ای و ۷۰ گروه زبانی که VO هستند پیش‌افزافه‌ای هستند. در این جدول، بسامد زبان‌هایی که از این الگو تبعیت نمی‌کنند کم است. درایر (۱۹۹۲) برای تبیین این نوع همبستگی‌ها نظریه‌های متنوعی را مطرح می‌کند که یکی از آنها نظریهٔ هسته-وابسته^۱ است، اما وی به انتقاد از آن می‌پردازد. در این نظریه دو نوع زبان هسته‌پایانی و هسته‌آغازی از هم متمایز می‌شوند. ایرادی که او بر این نظریه وارد می‌داند، عدم اجماع زبان‌شناسان بر تشخیص هسته و وابسته در یک گروه است. به‌همین دلیل، وی یک نظریه با عنوان «نظریهٔ سوی انشعاب»^۲ را ارائه می‌دهد. طبق این نظریه، سازه‌های هم‌الگو با فعل، «مقوله‌های غیرگروهی (غیرانشعابی یا واژگانی)» و سازه‌های هم‌الگو با مفعول، «مقوله‌های گروهی (انشعابی) هستند (درایر، ۱۹۹۲: ۹۰-۸۹).

درایر در مقالهٔ دیگر خود به دو نوع رابطهٔ یک‌سویه^۳ و دوسویه^۴، بین جفت‌های همبستگی در رده‌شناسی قائل است. ارتباط یک‌سویه، رابطهٔ یک‌طرفهٔ بین دو مؤلفه را نشان می‌دهد، درحالی‌که در ارتباط دوسویه این رابطه دوطرفه است (درایر، ۲۰۰۷: ۹۷-۹۶). وی ۱۱ نوع جفت همبستگی دوسویه و ۲ نوع جفت همبستگی یک‌سویه را در زبان‌های دنیا معرفی می‌کند. یکی از انواع رابطهٔ دوسویه که بین نوع حرف‌افزافه و ترتیب فعل و مفعول برقرار است، به این صورت قابل تبیین است که اگر زبانی فعل‌پایانی باشد، معمولاً آن زبان پس‌افزافه‌ای و اگر زبانی پس‌افزافه‌ای باشد، معمولاً فعل‌پایانی است (درایر، ۲۰۰۵b: ۳۸۷؛ درایر، ۲۰۰۷: ۹۶-۸۹).

به گفتهٔ کرزن^۵ (2006: 63-65)، رابطهٔ بین جایگاه حرف‌افزافه و نوع زبان (SVO/VSO یا SOV) نسبی است. مثلاً در زبان‌های SVO ممکن است یک یا دو پس‌افزافه وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال ago پس‌افزافه‌ای است که در زبان انگلیسی کاربرد دارد، درحالی‌که انگلیسی زبانی پیش‌افزافه‌ای است. در عبارت three years ago، کاربرد این پس‌افزافه را می‌بینیم. زبان آلمانی عمدتاً یک زبان SOV محسوب می‌شود که غیر از یک پس‌افزافه (nach)، فقط از پیش‌افزافه استفاده می‌کند. nach هم در اصل پیش‌افزافه است اما صرفاً در

1. Head-Dependent Theory
2. Branching Direction Theory
3. unidirectional
4. bidirectional
5. D. Kurzon

یک عبارت (meiner Meinung nach) به معنای «به نظر من» نقش پس‌افزوده دارد. در فنلاندی که یک زبان SVO است، تعداد پس‌افزوده‌ها از پیش‌افزوده‌ها بیشتر است. بیشتر پس‌افزوده‌ها از اسم و تعدادی نیز از فعل مشتق شده‌اند. در بسیاری از زبان‌هایی که دارای نظام حالت آشکار هستند، حرف‌افزوده، حالت متمم گروه اسمی را حاکمیت می‌کند. مثلاً در زبان روسی، حرف‌افزوده iz به معنای «از» در عبارت iz komnaty به معنای «از اتاق»، حالت اضافی را حاکمیت می‌کند. در زبان‌های اسلاوی و همچنین در آلمانی و لاتین برخی حروف اضافه با معنای مکان، بسته به این که جهت را نشان دهند یا مکان را، بیش از یک حالت را حاکمیت می‌کنند. مثلاً در زبان آلمانی حرف‌افزوده in در عبارت in das Haus به معنای «در خانه» حالت مفعولی را حاکمیت می‌کند ولی در عبارت in dem (im) Haus به معنای «در خانه» همان حرف‌افزوده حالت به‌ای/ برایی را حاکمیت می‌کند. این نکته را باید در نظر داشت که کاربرد حرف‌افزوده در زبان‌ها همگانی نیست. مثلاً در زبان‌های میانجی آکان^۱ و ملانزیایی^۲ که افعال پیاپی کاربرد دارند، فعل دوم به‌لحاظ دستوری و معنایی در نقش حرف‌افزوده است (همان‌جا):

| | | |
|----|--|----------------------------|
| 1- | Akan (Kurzon 2006:65) Kofi fa-a ntoma ma-a me Kofi take-PERF cloth give-PERF me | 'Kofi took a cloth for me' |
|----|--|----------------------------|

همان‌گونه که در بخش مقدمه مطرح شد، درایر (۲۰۱۱: ۳۳۹-۳۳۶) شواهدی برای همبستگی‌های رده‌شناختی بین برخی مؤلفه‌ها و ترتیب قرار گرفتن فعل و مفعول ارائه می‌دهد. او با شواهدی از خانواده‌های زبانی که در شش منطقه جهان قرار دارند، نشان می‌دهد که نسبت زبان‌هایی که حرف‌افزوده آنها از نوع پس‌افزوده است و خود از نوع OV هستند بیشتر از نسبت زبان‌هایی است که OV هستند و حرف‌افزوده از نوع پیش‌افزوده دارند. از سوی دیگر، نسبت زبان‌های VO که دارای پیش‌افزوده هستند نیز از زبان‌های فعل‌آغازین دارای پس‌افزوده بیشتر است.

1. Akan
2. Melanesian

۳- روش پژوهش

پیکره این پژوهش مشتمل بر ۳۶۰ جمله است که از داده‌های طرح اطلس ملی زبانی ایران که در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در دست انجام است استخراج شده است. در این طرح که شروع گردآوری نمونه‌های زبانی آن به دهه پنجاه خورشیدی برمی‌گردد، از طریق پرسش‌نامه‌ای مرکب از ۱۰۵ واژه و عبارت و ۳۶ جمله، گونه‌های زبانی آبادی‌های بالای ده خانوار کشور از طریق مصاحبه مستقیم و ضبط صدا گردآوری می‌شود. در عبارت‌ها و جمله‌های این پرسش‌نامه، ۶ مورد گروه حرف‌افزافه‌ای شامل حروف اضافه «با، در، به، از، تا، پیش» قابل استخراج است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

از استان خراسان دهه پنجاه، مرکب از سه استان خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی کنونی، ترکی خراسانی حدود ۳۰۰ آبادی از شهرهای، نشان داده شده در تصاویر ۱ و ۲ در دست است. به‌منظور محدود کردن داده‌ها و ایجاد امکان مقایسه، از هر شهرستان دارای آبادی‌های ترک‌زبان، گونه ترکی یکی از آبادی‌های یک بخش از شهرستان‌های نشان داده شده بر روی نقشه‌های پیش‌گفته به‌صورت تصادفی انتخاب شد و در مجموع، ۳۶۰ جمله در قلمرو جغرافیایی استان خراسان با تقسیمات کشوری مربوط به دهه ۱۳۵۰ شمسی مورد پژوهش قرار گرفت. لازم است بار دیگر تأکید شود که در زمان گردآوری داده‌های اطلس زبانی ایران از شرق کشور در دهه ۱۳۵۰، تقسیمات کشوری با امروز تفاوت داشته و در آن زمان استان خراسان به صورت یک‌پارچه بوده است و امروز به استان‌های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی تقسیم شده است. طبق داده‌های اطلس زبانی ایران، در دهه پنجاه شمسی، ترکی خراسانی در دو استان خراسان شمالی و خراسان رضوی کنونی رواج داشته است. نقشه‌های زیر بر اساس تقسیمات کشوری امروز هستند و آبادی‌های شهرستان‌هایی که به صورت رنگی نمایش داده شده‌اند، برای این پژوهش در دسترس بوده‌اند.



تصویر ۱- نقشه استان خراسان شمالی



تصویر ۲- نقشه استان خراسان رضوی

داده‌های گردآوری شده ابتدا با استفاده از الفبای IPA آوانویسی و سپس تحلیل شده‌اند. در تحلیل داده‌ها، آثار درایر (b و ۲۰۰۷) به‌عنوان چارچوب نظری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در بخش تحلیل، پس از استخراج نمونه‌های حروف اضافه به‌کاررفته در هر یک از گونه‌های جغرافیایی ترکی خراسانی، همبستگی نوع حرف اضافه در هر مورد با ترتیب قرارگرفتن فعل و مفعول مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور درک میزان تفاوت یا تشابه این گونه‌ها با ترکی

آذربایجانی معیار، مقایسهٔ مختصری با این گونهٔ زبانی نیز صورت گرفته است. به‌دلیل محدودیتِ حجمِ مقاله، کل نمونه‌های آوانویسی‌شده در بخش تحلیل گنجانده نشده‌اند و در هر مورد به‌ذکر یک یا چند نمونه که بیانگر موضوع باشند اکتفا شده است.

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش به تحلیل داده‌های زبانی گردآمده می‌پردازیم. از بررسی داده‌های زبانی گونه‌های جغرافیایی ترکی خراسانی چنین برمی‌آید که این زبان از نوع زبان‌های OV است و گونه‌های جغرافیایی آن نیز از این حیث تفاوتی ندارند. نمونه‌های زیر این ادعا را تأیید می‌کنند. لازم به یادآوری است که در این پژوهش، برای هر یک از حروف‌افزافهٔ مورد بررسی، در صورت وجود تکواژگونه‌های مختلف، آنها که در داده‌های زبانی از سوی گویشوران مورد استفاده قرار گرفته بودند ذکر شده‌اند.

| | | |
|----|---|---|
| 2- | mæn sæn-ə ʃɪr-d-im من تو را- م- گذشته-دیدن S O V | 'من تو را دیدم' (بجنورد: بخش مرکزی) |
| 3- | fa:tɹæ ist-ir-d-ə inæk-lær-ə sag-sin ۳ش م- را-نشانهٔ جمع-گاو فاطمه گذشته-خواستن S O V | 'فاطمه می‌خواست گاوها را بدوشد' (درگز: بخش مرکزی) |

یکی از مواردی که لی (۱۹۹۶: ۸۱) در دستور زبان ترکی [آذربایجانی] به بررسی آن می‌پردازد، پس‌افزافه است. بنا بر تعریف، پس‌افزافه به مجموعهٔ بسته‌ای از واژگان اطلاق می‌شود که پس از یک گروه اسمی (به‌صورت اسم یا ضمیر) قرار می‌گیرند تا یک سازه یا ساختار واحد بسازند (راسخ‌مهند و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۸). به‌اعتقاد لی، زبان ترکی [آذربایجانی] از ردهٔ زبان‌های SOV است و به‌استناد همگانی‌های گرینبرگ، حرف‌افزافهٔ آن از نوع پس‌افزافه است. به‌گفتهٔ

او، در این زبان بیشتر پس‌اضافه‌ها واژه مستقل هستند مانند /kimi/ (مثل) در مثال kimi Jün (مثل خورشید) و برخی از آنها نیز به صورت پسوند تظاهر دارند. در زبان ترکی [آذربایجانی] پس‌اضافه‌ها به اسم‌های خود حالت دستوری می‌دهند.

پژوهش حاضر نشان داد که در گونه‌های جغرافیایی ترکی خراسانی نیز همه حروف‌اضافه از نوع پس‌اضافه هستند. پیکره زبانی مقاله حاضر شامل موارد کاربرد معادل‌های گویشی هفت حرف‌اضافه «با، را، در، به، از، تا، پیش» در قالب ۳۶۰ جمله است که در این بخش تحلیل خواهد شد.

۴-۱- حرف‌اضافه «با» (/ -inAn / / -nAn / / -ilAn / / -IA /)

در پرسشنامه اطلس زبانی ایران، ۵ جمله دارای حرف‌اضافه «با» وجود دارد که در این بخش به آنها اشاره می‌شود. با توجه به داده‌های زبانی، در این گونه‌های جغرافیایی ترکی خراسانی حرف‌اضافه «با» که به صورت تکواژگونه‌های / -inAn / / -nAn / / -ilAn / / -IA / مشاهده می‌شوند، به صورت پس‌اضافه تظاهر پیدا می‌کنند. این حرف‌اضافه به گروه‌های اسمی پیش از خود حالت‌های همراهی (نمونه‌های ۱۲-۴) و ابزاری (نمونه‌های ۱۴-۱۳) می‌دهد. در ارائه شاهد مثال‌ها کوشیده‌ایم از تنوعات معادل‌های گویشی هر حرف‌اضافه و نیز تکواژگونه‌های مختلف آنها دست‌کم یک نمونه ذکر کنیم. در جمله‌های ۱۳ و ۱۴ تنوع جایگاه و ترتیب فعل و مفعول نیز نشان داده شده است.

| | | | |
|----|------------------------------------|------------------------------|--|
| 4- | tunej husejn mæn-ə o-n-inæn Jyr-di | درگز (لطف‌آباد) ^۲ | دیروز حسین من را یا او دید ^۳ |
| | ۳-ش م-دیدن | | |
| | یا -و -را -من | | |
| | حسین دیروز | | |

۱- در پژوهش حاضر، طبق روال موجود در مطالعات زبان ترکی برای نشان‌دادن هماهنگی واکه‌ای، واکه‌هایی که تحت تأثیر هماهنگی واکه‌ای تغییر می‌کنند با حروف بزرگ نشان داده شده‌اند. در واقع صورت‌های مورد اشاره صورت‌های زیرساختی هستند که واکه‌های آنها تحت تأثیر واکه‌های مجاور خود تغییر می‌کنند.

۲- در این مورد و مواردی که در پی خواهد آمد، نام شهرستان محل کاربرد گونه جغرافیایی مورد نظر، ذکر شده و به دنبال آن درون پرانتز، نام آن بخش از شهرستان که آبادی در آن قرار داشته آمده است.

| | | | |
|-----|--|-------------------|--|
| 5- | dunən husejn mæn-ə o-nan Jɜr-di اش م-دیدن یا -او را -من حسین دیروز | بجنورد (حومه) | |
| 6- | tunej hosejn mæn-ə o-n-ilæn Jɜr-di اش م-دید یا -او را -من حسین دیروز | قوچان (حومه) | |
| 7- | næm fɔræjə-m-ə kaka-m-nan je-di-m اش م-خورد یا -ملکی اش م-برادر را- ملکی اش م-غذا (شام) من | نیشابور (حومه) | 'من شامم را یا برادرم خوردم' |
| 8- | næm fam-ə-m-ə qardaf-m-la je-di-m اش م-خورد یا -ملکی اش م-برادر را-ملکی اش م-غذا (شام) من | مشهد (کلات) | |
| 9- | mæn jekkæ Jæl-m-ir-æm mohæmmæd-inæn یا -محمد اش م-استمراری-نفی-آمد تنها من Jæl-ir-æm اش م-استمراری-آمد | شیروان (مرکزی) | 'من تنها نمی‌آیم یا محمد می‌آیم' |
| 10- | mæn jekkæ Jæl-m-ir-æm mohæmmæd-inæn یا -محمد اش م-استمراری-نفی-آمد تنها من Jæl-ir-æm اش م-استمراری-آمد | سیزوار (جغتای) | |
| 11- | æJ æ olar ata-lar-inæn Jæl-di-læn biz- æ به-ما اش ج-گذشته-آمدن یا -اش ج- پدر آنها اگر xæbær ver-m | شیروان (حومه) | 'اگر آنها یا پدرشان به ده آمدند به ما خبر بدهید' |

| | | | |
|-----|---|---------------|--|
| | آش ج-دادن خبر | | |
| 12- | olar æf æ baba-lær-inæn Jæl-di-lær biz- æ به-ما آش ج-گذشته-آمدن با-آش ج-پدر اگر آنها xæbær ver-in آش ج-دادن خبر | مشهد (چناران) | |
| 13- | biz maʃin-nan gælæ-(j) æ Jæl-d-ix amma اما آش ج-گذشته-آمد به-ده با-ماشین ما husejn Jæl-mæ-di آش م-گذشته-نفی-آمد حسین | درگز (مرکزی) | 'ما یا ماشین به ده آمدیم اما حسین نیامد' |
| 14- | biz maʃin-nan Jæl-d-ih gælæ-jæ amma اما به-ده آش ج-گذشته-آمد با- ماشین ما husejn Jæl-mæ-di آش م-گذشته-نفی-آمد حسین | درگز (چاپشلو) | |

۴-۲- حرف اضافه «را» (/ə-)

در مورد «را» نظرهای متفاوتی وجود دارد، با وجود این برخی آن را در زبان فارسی یکی از حروف اضافه و نمونه‌ای از پس‌اضافه دانسته‌اند که برای نشان دادن مفعول صریح به کار می‌رود (راسخ‌مهند و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۹). در پژوهش حاضر نیز معادل گویشی «را» که نشانه مفعولی /ə- است، پس‌اضافه در نظر گرفته شده است و در نمونه‌های ارائه شده به شکل پرننگ نشان داده شده است.

| | | | |
|-----|--|---------------|----------------------------|
| 15- | dunən husejn mæn-ə o-nan Jæt-di را-من آش م-دیدن با-او حسین دیروز | بجنورد (حومه) | 'دیروز حسین مرا او دید' |
|-----|--|---------------|----------------------------|

| | | | |
|-----|--|-----------------------------|---|
| 16- | næm fam-əm-ə je-di-m اش م-خورد با-ملکی اش م-برادر را-ملکی اش م-غذا (شام) من | qardaŋ-ım-la مشهد (کلات) | 'من شامم را با برادرم خوردم' |
| 17- | mæn olar-ə hæŋ jun baq-d a ʃɪr- ir-æm اش م-استمراری-دیدن در-باغ روز هر را-آنها من ki iʃl-ir-lær ش ^۳ ج-استمراری-کارکردن که | قوچان (باجگیران) | 'من هر روز آنها را در باغ می‌بینم که دارند کار می‌کنند' |
| 18- | biz o-n-ə ɤz ɤj-un-dæ ʃɪr- diŋ در-ملکی ش ^۳ م-خانه اش ج-گذشته-دیدن خودش را-او ما | بجنورد (رازوجرگلان) | ما او را در خانه خودش دیدیم' |

۴-۳- حرف‌افزافه «در» (/d-/)

در چهار جمله از جملات پرسش‌نامه طرح اطلس زبانی ایران که مبنای تهیه پیکره پژوهش حاضر بوده، این حرف‌افزافه به کار رفته است. در گونه‌های جغرافیایی مورد بررسی از ترکی خراسانی، حرف‌افزافه «در» به صورت پس‌افزافه است و به گروه اسمی پیش از خود حالت مکانی می‌دهد. در زبان ترکی آذربایجانی این حرف‌افزافه را علاوه بر مکان برای نشان‌دادن زمان نیز استفاده می‌کنند. در پیکره زبانی مورد نظر جمله‌ای برای نشان‌دادن این مفهوم وجود نداشت. به همین دلیل در مقاله حاضر نمی‌توان این موضوع را در مورد ترکی خراسانی مورد بررسی قرار داد.

| | | | |
|-----|--|--------------|--|
| 19- | mæn donæn oj-dæ-(j)dəm bɤjun dæ var-am اش م-بودن هم امروز اش م گذشته بودن-در- خانه دیروز من | درگز (مرکزی) | 'من دیروز در خانه بودم امروز هم هستم' |
|-----|--|--------------|--|

| | | | |
|-----|--|-------------------------|--|
| 20- | howzæmbar- da hænuz su var-dɪ ۳ش م-بودن آب هنوز <u>در</u> - آب‌انبار | نیشابور (حومه) | در آب‌انبار هنوز آب هست |
| 21- | mæn olar-ə hæɾ jun baq- da ʃɪɾ-ɪɾ- æm اش م-استمراری-دیدن <u>در</u> -باغ روز هر را-آنها من kɪ iʃl-ɪɾ-lær ۳ش ج-استمراری-کارکردن که | قوچان (باجگیران) | 'من هر روز آنها را <u>در</u> باغ می‌بینم که دارند کار می‌کنند' |
| 22- | bɪz o-n-ə ɾz xj-un- dæ ʃɪɾ- dɪh در-ملکی ۳ش م-خانه خودش را-او ما | بجنورد (رازو جرگلان) | ما او را <u>در</u> خانه خودش دیدیم' |

۴-۴- حرف‌اضافه «به» (/æ/)

در داده‌های زبانی پژوهش حاضر حرف‌اضافه «به» برای حالت‌دهی بهره‌ور و هدف (جهت حرکت) به کار رفته است. در پرسش‌نامه پژوهش، چهار جمله دارای این حرف‌اضافه است که در ادامه، به همراه معادل‌های آنها در ترکی خراسانی، ارائه شده است.

| | | | |
|-----|--|--------------------|--|
| 23- | bɪz maʃɪn-næn qælæ-(j)æ jæl-dək با-ماشین به-ده ۱ش ج-آمدن ما husejn jæl-mæ-də ۳ش م-گذشته-نفی-آمدن حسین | سبزوار (جغتای) | 'ما با ماشین به ده آمدیم اما حسین نیامد' |
| 24- | æɟær olar ata-si-næn jæl-dilær آنها ۳ش ج-گذشته-آمدن با-ملکی ۳ش ج-پدر آنها اگر biz-æ xæbær ver-ɪn ۳ش ج-دادن خبر به-ما | درگز (لطف‌آباد) | 'اگر آنها با پدرشان آمدند به ما خبر بدهید' |

| | | | |
|-----|---|-----------------|---|
| 25- | sæn bujun fæhr-æ jedisæn ja sabah فردا یا ۲ش م-گذشته-رفتن به-شهر امروز تو | درگز (مرکزی) | 'تو امروز به شهر می‌روی یا فردا؟' |
| 26- | olar bir hæftæ daqm biz-im qælæ-miz-æ به-ملکی اش ج-ده ملکی اش م دیگر هفته یک آنها jel-ælæn ۳ش ج-آمدن | مشهد (کلات) | 'آنها یک هفته دیگر به ده ما می‌آیند' |

۴-۵- حرف‌افزافه «از» (/dAn/)

برای بررسی این حرف‌افزافه، سه جمله در پرسش‌نامه موجود است. در ترکی خراسانی پس‌افزافه /-dæn/ به گروه اسمی پیش از خود حالت ازی می‌دهد.

| | | | |
|-----|--|---------------------|---|
| 27- | mæn jenʃi ov-dæn ʃix-dim تازه از-خانه آمدن من ki sæn jæl-dim ۲ش م-گذشته-آمدن تو که | نیشابور (حومه) | 'من تازه از خانه بیرون رفته بودم که تو رسیدی' |
| 28- | siz heʃ bir-iz æli-dæn xæbær joxi-j-iz ۳ش ج-نداشتن خبر از-علی ملکی ۳ش ج-یک هیچ شما | مشهد (احمدآباد) | 'شما هیچ‌کدام از علی خبر ندارید؟' |
| 29- | ʃæmbæ-nin juni-de ki mæn من که بود-روز نشانه ساخت‌افزایی- شنبه ʃæ:r-dæn jæl-dim ۱ش م-گذشته-آمدن از-شهر | قوچان (باجگیران) | 'روز شنبه بود که من از شهر آمدم' |

۴-۶- حرف اضافه «تا» (/kimi/، /kimin/، /-tʃAn/، /-tʃA/، /-dʒAn/، /-dʒA/)

برای این حرف‌افزافه، در ترکی دو صورت ساختوازی وجود دارد، نخست واژه مستقل (/kimin/)، که علاوه بر معنای «مثل و مانند» در ترکی، در مفهوم حرف‌افزافه «تا» (مکان و زمان) نیز به‌کار می‌رود. دیگری پسوند (/dʒA/، /-dʒAn/، /-tʃA/، /-tʃAn/) که به هسته اسمی متصل می‌شوند.

| | | | |
|-----|---|------------------|-------------------------------------|
| 30- | æbbas indijæ kimin jaqʃi oqlan dɪ آش م-بود پسر خوبی تا حالا عباس | درگز (مرکزی) | 'عباس تا حالا پسر خوبی بوده است' |
| 31- | æbbas indijæ- tʃæ jaqʃi oqlan dɪ آش م-بود پسر خوبی تا-حالا عباس | درگز (چاپشلو) | |

در مورد این حرف‌افزافه باید به استفاده توأم پیش‌افزافه فارسی /-ta/ و پس‌افزافه ترکی (/kimin/، /tʃA/) نیز اشاره کنیم. مثال‌های ۳۲ و ۳۳ این موضوع را نشان می‌دهند. علاوه بر این، در برخی از داده‌ها، از اسم فارسی «حالا» به‌همراه پس‌افزافه ترکی استفاده شده است (مثال ۳۴). در مواردی نیز پیش‌افزافه فارسی /-ta/ به‌همراه واژه ترکی به‌معنای «حالا» به‌کار رفته است (مثال ۳۵). تمام این موارد می‌توانند حاصل قرض‌گیری زبانی باشند.

| | | | |
|-----|---|-------------------|-------------------------------------|
| 32- | æbbas ta indijæ- tʃæ jaqʃi oqlan dɪ آش م-بود پسر خوبی تا حالا عباس تا | بجنورد (مرکزی) | 'عباس تا حالا پسر خوبی بوده است' |
| 33- | æbbas ta indijæ kimin jaqʃi oqlan dɪ آش م-بود پسر خوبی تا حالا عباس تا | درگز (نوخندان) | |
| 34- | æbbas hala- dʒan jaqʃi oqlan dɪ آش م-بود پسر خوبی تا-حالا عباس | سبزوار (جغتای) | 'عباس تا حالا پسر خوبی بوده است' |

| | | |
|-----|-----------------------------------|------------------|
| 35- | æbbas ta indijæ jaqfi oqlan di | شیروان (حومه) |
| | آش م-بود پسر خوبی حالا تا عباس | |

۴-۷- حرف‌افزافه «پیش» (/jan-ə-n/a/)

گروهی از اسم‌ها در زبان ترکی آذربایجانی به‌لحاظ نحوی و معنایی نقش حرف‌افزافه‌ای دارند، به‌همین دلیل، برخی از حروف‌افزافه در این زبان به حروف‌افزافه اسمی معروف‌اند. این نوع حروف‌افزافه از اسم‌های مذکور به‌افزافهٔ پسوندهای شخصی و پسوندهای نشانهٔ حالت تشکیل می‌شوند و اغلب به‌عنوان اسم در ساخت ملکی به‌کار می‌روند. این‌گونه اسم‌ها را براساس پسوندهای شخصی و پسوندهای نشانهٔ حالت متصل به آنها به سه گروه تقسیم می‌کنند. گروه اول با تمام نشانه‌های حالت دستوری و پسوندهای شخصی به‌کار می‌روند. گروه دوم محدودیتی در پسوندهای شخصی ندارند اما با نشانه‌های حالت دستوری خاصی به‌کار می‌روند. گروه سوم، تنها با نشانه‌های حالت دستوری ثابت و مشخص و پسوند شخصی سوم شخص مفرد کاربرد دارند (لی، ۱۹۹۶: ۸۵-۸۴). بررسی داده‌ها نشان داد که این موضوع در ترکی خراسانی نیز وجود دارد و اسم /jan/ از نوع گروه اول است. در مثال ۳۶ پس‌افزافهٔ اسمی گروه اول (-jan-ə-na) به‌کار رفته است که از سه بخش اسم /-jan/ (کنار)، پسوند ملکی /-ə/ و نشانهٔ حالت دستوری به‌ای/برایی /-na/ ساخته شده است. به‌دلیل آنکه کاربرد این حرف‌افزافه در تمام گونه‌های جغرافیایی ترکی خراسانی در پیکرهٔ مورد بررسی یکسان بود، در اینجا به‌ذکر همین یک مثال که به‌طور تصادفی انتخاب شده است اکتفا می‌شود.

| | | |
|-----|--|---|
| 36- | æjær if-im tukæn-di qardaf-əm jan-ə-na | بجنورد (جاجرم) |
| | حالت به‌ای/برایی-پسوند ملکی-پیش پسوند ملکی-برادر شد-تمام پسوند ملکی-کار اگر jed-ær-əm آش م-مضارع-رفتن | 'اگر کارم تمام شود پیش برادرم می‌روم' |

۵- نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، موضوع همبستگی نوع حرف‌افزافه با ترتیب قرارگرفتن فعل و مفعول براساس پژوهش‌های درایر (۱۹۹۲؛ ۲۰۰۵) در ۲۴ گونه جغرافیایی ترکی خراسانی از شهرهای، بجنورد، درگز، سبزوار، شیروان، قوچان، مشهد و نیشابور مورد پژوهش قرار گرفت. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در ترکی خراسانی، همانند ترکی آذربایجانی، ترتیب بی‌نشان ارکان جمله به صورت فاعل-مفعول-فعل (SOV) است و این گونه زبانی، از جمله گونه‌های زبانی فعل‌پایانی محسوب می‌شود. در تمامی گونه‌های جغرافیایی ترکی خراسانی بررسی شده، حروف‌افزافه مورد بررسی در این پژوهش، پس‌افزافه‌ای هستند که به صورت واژه مستقل یا پسوند تظاهر می‌یابند. از این رو، مجاورت با فارسی و سایر زبان‌های منطقه جز در مواردی محدود (مثال‌های ۳۲ تا ۳۵)، تأثیری در تغییر این ساخت نداشته است. هرچند در مواردی تأثیر زبان فارسی در تغییرات تلفظی به‌ویژه در واکه‌ها مشاهده می‌شود. علاوه بر این ترکی خراسانی مطابق یافته‌های درایر (۲۰۰۷)، که در بخش مبانی نظری به تفصیل مورد بحث قرار گرفت و براساس آن زبان‌های فعل‌پایانی، پس‌افزافه‌ای هستند، از همگانی‌های رده‌شناختی زبان تبعیت می‌کند.

منابع

- راسخ‌مهند، محمد، مژگان معین و مسعود محمدی‌راد (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی نحو. تهران: انتشارات علمی.
- صفایی اصل، اسماعیل (۱۳۹۴). «رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان آذربایجانی». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. س ۵، ش ۹، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- قلی‌زاده مزرگی، جلال (۱۳۹۰). آشنایی با زبان ترکی خراسانی. مشهد: چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.
- میردهقان، مهین‌ناز و فاطمه مهدوی (۱۳۹۶). «بررسی رده‌شناختی ترتیب واژگانی در گویش کردی کرمانشاهی و گویش کردی ایلامی». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی میراث زبانی. به کوشش پونه مصطفوی، ۳۱۷-۲۹۷.

واحدی لنگرودی، محمدمهدی (۱۳۸۱). «ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده و جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود». *مجله پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۱۳، ۱۷۶-

۱۵۱.

هدایت، ندا (۱۳۹۵). «بررسی مؤلفه‌های توالی واژه و همبستگی آنها با توالی مفعول/فعل در گویش تاتی گیفان براساس دیدگاه رده‌شناختی درایر». *مجله زبان فارسی و گویش‌های*

ایرانی. س ۱، ش ۲، دانشگاه گیلان.

- Blake, B. J. (2004). *Case*. 2nd edition, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabir Moghaddam, M. (2001). "Word Order Typology in Iranian Languages". *The international Journal of Humanities*. Vol. 8, Issue 2, 17-23.
- Dryer, M. S. (1992). "The Greenbergian Word Order Correlations". *Language*. 68, 81-138.
- Dryer, M. S. (2005a). "Order of Adposition and Noun Phrase". *The World Atlas of Language Structures*. M. Haspelmath, M. S. Drayer, D. Gil, & B. Comrie (eds.), Oxford University Press, 346-349.
- Dryer, M. S. (2005b). "Relationship between the Order of Object and Verb and the Order of Adposition and Noun Phrase". *The World Atlas of Language Structures*. M. Haspelmath, M. S. Drayer, D. Gil, & B. Comrie (eds.), Oxford University Press, 386-389.
- Dryer, M. S. (2007). *Language Typology and Syntactic Description*. Vol.1, (Clause structure), Cambridge University Press, T. Shopen (ed.).
- Dryer, M. S. (2011). "The evidence for word order correlations: a response to Dunn, Greenhill, Levinson and Gray's paper". *Linguistic Typology*. 15: 335-380.
- Frazier, LYN. (1979). "Parsing and Constraints on Word Order". *University of Massachusetts occasional papers in linguistics* 5. 177-198.
- Frazier, LYN. (1985). "Syntactic complexity". *Natural language parsing: Psychological, computational, and theoretical perspectives*. D. R. Dowty, L. Kartunnen, & A. M. Zwicky (eds.), Cambridge: Cambridge University Press, 129-189.
- Givon, T. (1975). "Serial verbs and syntactic change: Niger-Congo". *Word order and word order change*. C. Li (ed.), Austin: University of Texas Press, 47-112.
- Greenberg, J. H. (1966). *Language universals, with special reference to feature hierarchy*. *Janua Linguarum Scies Minor* 59, The Hague: Mouton
- Hawkins, J. A. (1983). *Word order universals*. New York: Academic Press.

- Hawkins, J. A. (1984). "Modifier-head or function-argument relations in phrase structure?". *Lingua* 63, 107-138.
- Hawkins, J. A. (1990). "A parsing theory of word order universals". *Linguistic Inquiry*. 21, 223-261.
- Johanson, L. (1998). "The History of Turkic". *The Turkic Languages*. L. Johanson & É. Á. Csató (Eds.), 1st edn., London and New York: Routledge, 81-125.
- Keenan, E. L. (1979). "On surface form and logical form". *Linguistics in the seventies: Directions and Prospect*. B. B. Kachru (ed.), Urbana, IL: University of Illinois Department of Linguistics. [Reprinted in *Universal grammar: 15 essays*, by Edward L. Keenan, 375-428. London: Croom Helm, 1987.], 1-41.
- Kuno, S. (1974). "The position of relative clauses and conjunctions". *Linguistic Inquiry*. 5, 117-136.
- Kurzon, D. (2006). "Adpositions". *Encyclopedia of Language and Linguistics*. Edited by Keith Brown, Oxford: Elsevier, 63-66.
- Lee, S. N. (1996). *A Grammar of Iranian Azerbaijani*. Ph.D. Thesis, University of Sussex.
- Lehmann, W. P. (1973). "A structural principle of language and its implications". *Language*: 49, 42-66.
- Maxwell, D. N. (1984). "A typologically-based principle of linearization". *Language*. 60, 251-285.
- Menges, K. H. (1995). *The Turkic Languages and Peoples: an Introduction to Turkic Studies*. 2nd edn, Wiesbaden: Harrassowitz.
- Vennemann, T. (1973). "Explanation in syntax". *Syntax and semantics* 2. J. Kimball (ed.), New York: Seminar Press, 1-50.
- Vennemann, T. (1974a). "Analogy in generative grammar: The origin of word order". *Proceedings of the Eleventh International Congress of Linguists (1972)*. Bologna, 79-83.
- Vennemann, T. (1974b). "Theoretical word order studies: Results and problems". *Papiere zur Linguistik* 7. 5-25.
- Vennemann, T. (1976). "Categorial grammar and the order of meaningful elements". *Linguistic Studies offered to Joseph Greenberg on the occasion of his sixtieth birthday*. Alphonse Juilland (ed.), Saratoga, CA: Anna Libri., 615-34.
- Vennemann, T., & R. Harlow (1977). "Categorial grammar and consistent basic VX Serialization". *Theoretical Linguistics* 4.